

هفتاد پرسش

دربارهٔ احکام

جنایز

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.



Telephone: +966114454900



ceo@rabwah.sa



P.O.BOX: 29465



RIYADH: 11557



www.islamhouse.com

به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

احکام جنایز

سؤال (۱): کسی که نزد شخص در حال وفات نشسته چه باید بکند؟ و آیا خواندن سوره «یاسین» نزد شخص در حال احتضار در سنت ثابت است یا خیر؟ پ

اسخ (۱): بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِیْنَ.

عیادت بیمار از جمله حقوق مسلمانان بر یکدیگر است و برای کسی که به عیادت بیمار می رود شایسته است که توبه را به او یادآوری کند و همینطور وصیت واجب را و اینکه وقتش را با ذکر الله عزوجل بگذارند زیرا بیمار نیازمند چنین چیزی است.

و اگر بیمار در حال وفات بود و شخص مطمئن شد که مرگ او فرا رسیده باید «لا اله الا الله» را به او تلقین کند چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به این کار امر نموده است [۱]، و در این حالت الله را با صدایی که شنیده می شود نزد او یاد می کند تا او نیز یادآور شود و الله را ذکر کند.

علما می گویند: درست نیست که او را به این کار (یعنی گفتن شهادتین) امر کند زیرا شاید این باعث دلتنگی و ناراحتی او شود و شاید حال او را دشوارتر کند و این باعث شود از گفتن «لا اله الا الله» سرباز زند و این باعث فرجام بد شود، بلکه باید او را با کارش یادآوری کند، یعنی با گفتن ذکر نزد او، و حتی گفته اند: اگر او را یادآوری کرد و او یادآور شد و «لا اله الا

الله» گفت، دیگر ساکت شود، و پس از آن با او سخن نگوید تا آخرین سخنش «لا اله الا الله» باشد.

و اگر شخص محترض سخن گفت دوباره او را تلقین کند تا آخرین سخنش «لا اله الا الله» باشد.

اما خواندن سوره «یاسین» نزد شخص در حال مرگ، نزد بسیاری از علما سنت است؛

به دلیل این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که: «بر مردگان خود یاسین بخوانید» [۲]،

اما برخی از علما درباره این حدیث سخن گفته اند و آن را ضعیف دانسته اند،

بنابراین نزد کسانی که این حدیث را صحیح دانسته اند خواندن این سوره سنت است،

و نزد کسانی که آن را ضعیف دانسته اند خواندن آن - یعنی سوره یاسین - سنت نیست.

سؤال (۲): دادن خبر وفات کسی به نزدیکان و دوستانش تا برای نماز بر او جمع شوند آیا در «نعی» ممنوع وارد می شود یا مباح است؟

پاسخ (۲): این از نعی مباح است؛ برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی که نجاشی از دنیا رفت نعی ایشان را گفتند (خبر وفات ایشان را اعلام کردند) [۳]، و درباره زنی که مسجد را تمیز می کرد [و درگذشت] و صحابه بدون خبر پیامبر صلی الله علیه وسلم او را دفن کرده بودند فرمود:

«چرا مرا باخبر نکردید؟» [۴]، بنابراین خبر دادن از وفات کسی برای آنکه نمازگزارانش بیشتر شوند اشکالی ندارد؛ زیرا این از جمله مواردی است که درباره آن در سنت آمده، اما نعی او پس از دفنش مشروع نیست بلکه از نعی مورد نهی است. (نعی: اعلام عمومی خبر درگذشت کسی را نعی گویند)

سؤال (۳): روش غسل میت چگونه است؟ نصحت شما به طلاب علم در این باره و اقدام آنان به غسل اموات چیست؟

پاسخ (۳): روش غسل میت: میت را در مکانی پوشیده که از نگاه دیگران دور باشد قرار می دهند و کسی در آن مکان حاضر نمی شود مگر کسی که در شستن او مباشرت دارد یا کسانی که به او کمک می کنند. سپس لباس میت را در آورده و بر عورت او پارچه ای قرار می دهند تا کسی آن را نبیند، نه خود شخص غاسل و نه دیگران، سپس شرمگاه او تمیز می شود (استنجا) سپس همانند نماز وضو داده می شود جز آنکه علما گفته اند آب به دهان و بینی اش وارد نشود بلکه با پارچه ای خیس، تر شود و با آن دندان ها و داخل دهانش مالیده شود سپس بعد از آن سرش شسته می شود و بعد از آن بقیه بدنش شسته می شود و شستن از سمت راست شروع می شود.

و شایسته است که در آب، برگ کنار (سدر) قرار داده شد زیرا پاک کننده است و با کف سدر، موی سر و ریشش شسته شود.

همچنین شایسته است که در شستن پایانی، کافور یا کمی کافور قرار دهد؛

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم زنانی را که داشتند دختر ایشان را می شستند چنین امر کردند،

و فرمودند: «در شستن پایانی کافور یا چیزی از کافور قرار دهید» [۵]،

سپس او را خشک می کنند و در کفن هایش قرار می دهند.

و غسل میت - چنانکه معروف است - فرض کفایه است که اگر کسانی که برای آن کافی اند انجامش دهند از بقیه ساقط می شود و آنطور که من گمان می کنم کسانی که غسل اموات را بر عهده دارند روش شرعی این غسل را بلد هستند و لازم نیست که طلاب علم مستقیماً این کار را بر عهده گیرند؛

زیرا ممکن است که طلاب علم به کاری مهمتر مشغول باشند؛ زیرا از جهات مسئول افرادی به اندازه کفایت به وظیفه غسل میت می پردازند،

اما چیزی که لازم است آنان بدانند روش غسل و کفن میت است تا آنکه کارشان از روی بصیرت باشد، والله اعلم.

سؤال (۴): روش نماز بر میت چگونه است؟

پاسخ (۴): روش نماز جنازه اینگونه است که: میت را در برابر نمازگزاران بگذارند و امام نزد سر میت اگر مرد است و نزد میانه میت اگر زن است بایستد و سپس تکبیر نخست را بگوید و در آن سوره فاتحه را بخواند، سپس تکبیر دوم را بگوید و در آن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود بفرستد، سپس در تکبیر سوم برای میت دعا کند.

و این دعا در کتب علما آمده و مشهور است: نخست دعای عام می کند:

«اللهم اغفر لحيتنا وميتتنا، وصغيرنا وكبيرنا...» تا پایان،

سپس دعای خاص که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده و اگر این دعا را نمی دانست هر دعایی را که به یاد دارد می گوید، مهم آن است که برای خود میت دعا کند؛ زیرا او به این دعا نیازمند است.

سپس تکبیر چهارم را می گوید و اندکی می ایستد و سپس سلام می دهد.

برخ از علما نیز گفته اند که بعد از تکبیر چهارم می گوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دورمان بدار). و اگر پنج تکبیر بگوید نیز اشکالی ندارد بلکه این از سنت است [۶] و شایسته است که گاه انجام شود تا آنکه سنت فراموش نشود و درباره اینکه در این تکبیر چه گفته می شود چیزی را نمی دانم که در این باره وارد شده باشد، اما اگر قصد داشت که تکبیر پنجم را هم بگوید دعا را بین تکبیر چهارم و پنجم تقسیم کند [یعنی مقداری از دعا را در تکبیر چهارم و مقداری دیگر را در تکبیر پنجم بگوید] والله اعلم.

سؤال (۵): به تاخیر انداختن آماده سازی میت و غسل و کفن و نماز و دفن او تا رسیدن نزدیکان میت چه حکمی دارد و ضابطه آن چیست؟

پاسخ (۵): تاخیر آماده سازی میت خلاف سنت است. خلاف آن چیزی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن امر کرده زیرا ایشان علیه الصلاة والسلام می فرماید: «جنزه را هرچه زودتر (برای غسل دادن و خاک سپاری) آماده کنید؛ اگر نیکوکار باشد، پس خیری است که او را

زودتر به آن می‌رسانید. و اگر جز این باشد، شری است که آن را از گردن خود برمی‌دارید» [۷].

و منتظر ماندن شایسته نیست مگر مدتی اندک، مانند آنکه یک ساعت یا دو ساعت یا مانند آن منتظر بمانند، اما تاخیر آن به مدتی طولانی جنایت علیه میت است زیرا روح انسان پاک وقتی خانواده اش او را به سوی مقبره می‌برند می‌گوید: مرا زودتر ببرید، مرا زودتر ببرید. یعنی از آنان درخواست تعجیل و زودتر بردن می‌کند زیرا او وعده خیر و ثواب جزیل گرفته است والله اعلم.

سؤال (۶): آیا نماز غایب بر میت به شکل مطلق جایز است؟

پاسخ (۶): قول راجح از میان اقوال علما این است که: نماز بر میت غایب مشروع نیست مگر برای میتی که بر او نماز گزارده نشده، مانند شخصی که در سرزمین کفار از دنیا رفته و کسی بر او نماز نخوانده است، که در این صورت نماز بر او واجب است، اما کسی که بر او نماز خوانده شده، قول صحیح آن است که نماز بر او مشروع نیست، یعنی نماز غایب، زیرا نماز غایب در سنت نیامده مگر در داستان نجاشی [۸] و بر نجاشی در سرزمین خودش نماز خوانده نشد، برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه بر ایشان نماز خواندند، حال آنکه بزرگان و رهبران دیگری نیز از دنیا رفتند و نقل نشده که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آنان نیز نماز گزارده باشد.

برخی از علما نیز گفته اند: کسی که با مال یا علمش سودی برای دین داشته بر او نماز غایب خوانده می شود و کسی که چنین نبوده بر او نماز غایب گزارده نمی شود.

برخی دیگر نیز گفته اند: بر غایب به طور مطلق مشروع است که نماز خوانده شود، و این ضعیف ترین اقوال است.

سؤال (۷): چه کسی برای امامت نماز بر میت اولویت دارد: امام یا ولی میت؟

پاسخ (۷): اگر در مسجد بر او نماز خوانده شد، امام مسجد اولویت دارد؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «به جای شخص در محل سلطه اش امامت نشود» [۹]، و اگر در مکانی جز مسجد بود اولویت با وصی اوست و اگر وصی نداشت نزدیکترین مردم به او [از نظر خویشاوندی].

سؤال (۸): در صورت وجود چند میت، آیا عالم ترین آنان را به امام نزدیک تر قرار دهیم یا آنکه همه برابرند؟

پاسخ (۸): اول [در نزدیکی امام] جنازه مرد، سپس زن قرار داده می شود و پسریچه جلوتر از زن قرار داده می شود یعنی اگر یک مرد بالغ و یک پسریچه نابالغ و یک زن بالغ و یک دخترریچه نابالغ داشتیم، امام باید این ترتیب را رعایت کند: اول مرد بالغ، سپس پسر نابالغ، سپس زن بالغ و سپس دخترریچه نابالغ را نزدیک خود قرار دهد. و اگر همه از یک جنس بودند - یعنی مثلاً چند مرد بودند - آن را که عالم تر است به امام نزدیک تر قرار می دهیم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره شهدای احد که در یک

قبر دفن می شدند می پرسید: «**کدام یک بیشتر قرآن [با خود] دارد؟**» و او را زودتر در لحد قرار می داد [۱۰]، این نشان می دهد که عالم نزدیکتر به امام قرار داده می شود.

سؤال (۹): محل ایستادن امام در هنگام نماز بر مردان و زنان و کودکان کجاست؟

پاسخ (۹): محل ایستادن امام: نزد سر مرد، و در میانه بدن زن است، فرقی نمی کند که بزرگسال باشند یا کودک. امام نزد سر کودک پسر می ایستد و در میانه بدن کودک دختر.

سؤال (۱۰): اعلام جنسیت میت که مرد است یا زن در هنگام نماز بر او اگر جمعیت زیادی حاضر باشد چه حکمی دارد؟

پاسخ (۱۰): اشکالی ندارد؛ برای آنکه مردم در صورتی که میت مرد است با صیغه مذکر و اگر زن است با صیغه مؤنث برای او دعا کنند و اگر چنین نکنند نیز اشکالی ندارد و کسانی که میت را نمی شناسند به نیت نماز بر میت حاضر که در برابرشان هست نماز می گزارند و نمازشان درست است و الله اعلم.

سؤال (۱۱): به ویژه در روز جمعه تعداد اموات آنقدر هستند که جا برایشان نیست، آیا به شکل طولی بر آنها نماز گزارد یا آنکه چند بار بر آنها نماز خواند؟

پاسخ (۱۱): بر همه آنها یکجا به این شکل که همه پشت سر هم در برابر امام قرار گرفته اند نماز گزارده می شود و امام هم عقبتر می ایستد و افرادی که پشت سر امام هستند نیز به عقب می روند حتی اگر مردم در

چند صف به هم چسبیده قرار بگیرند زیرا در این نماز نیازی به رکوع و سجده نیست.

سؤال (۱۲): آیا چیزی دربارهٔ زیاد بودن نمازگزاران بر جنازه وارد شده است؟ و حکمت از آن چیست؟

پاسخ (۱۲): بله، از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت است که فرمودند: «مسلمانی نیست که بمیرد سپس چهل مرد بر جنازهٔ او [به نماز] بایستند و مشرک به الله نباشند، مگر آنکه الله آنان را شفیع او قرار می دهد» [۱۱].

سؤال (۱۳): حکم قرائت آیه ای پس از سورهٔ فاتحه در نماز جنازه چیست؟

پاسخ (۱۳): اشکالی ندارد که انسان در نماز جنازه پس از سورهٔ فاتحه چیزی از قرآن بخواند اما طولانی نباشد و اگر تنها فاتحه را بخواند کافی است؛ زیرا نماز جنازه بر تخفیف و آسانی بنا شده و برای همین دعای استفتاح در آن مشروع نیست و بلکه اعوذ بالله گفته و سپس سورهٔ فاتحه را می خواند.

سؤال (۱۴): دعا برای کودک خردسال چگونه است؟

پاسخ (۱۴): علما دربارهٔ چگونگی دعا برای کودک خردسال گفته اند که پس از دعای عام می گوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ فَرَطًا لِيَوَالِدِيهِ وَدُخْرًا، وَشَفِيحًا مُجَابًا، اللَّهُمَّ ثَقِّلْ بِهِ مَوَازِينَهُمَا، وَأَعْظِمْ بِهِ أَجْرَهُمَا، وَأَلْحِقْهُ بِصَالِحِ سَلَفِ الْمُؤْمِنِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي كِفَالَةِ إِبْرَاهِيمَ، وَقِهِ بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ

الْجَحِيمِ» (یا الله او را [پاداشی محفوظ] و از پیش فرستاده شده و ذخیره ای و شفاعتگری پذیرفته شده برای والدینش بگردان، یا الله با او ترازوی آنان را سنگین بگردان و اجرشان را بزرگ بساز و او را به سلف نیکوی مؤمنان ملحق بساز و در کفالت ابراهیم قرار ده و او را با رحمت خود از عذاب دوزخ دور ساز)، اگر این دعا را بخواند [خوب است] و گرنه هر دعایی که به یادش بود و این امر واسع است و درباره آن سنت صحیح نیامده که در این زمینه بر آن تکیه کرد والله اعلم.

سؤال (۱۵): حکم قرائت سوره فاتحه در نماز جنازه چیست؟

پاسخ (۱۵): خواندن سوره فاتحه رکن نماز است؛ به دلیل این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمودند: **«کسی که فاتحة الكتاب را [در نماز] نخواند، نماز ندارد»** [۱۲]، و تفاوتی میان نماز جنازه و دیگر نمازها نیست زیرا نماز جنازه نیز نماز است، پس در نتیجه در عموم این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می گیرد که: **«کسی که فاتحة الكتاب را [در نماز] نخواند، نماز ندارد»**.

سؤال (۱۶): کسی که چند تکبیر یا یک تکبیر از او فوت شده و به آن نرسیده آیا باید قضایش کند؟ و چگونه همراه با امام وارد نماز شود؟

پاسخ (۱۶): هر جا که رسید با امام وارد نماز می شود؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که: **«هرچه رسیدید را ادا کنید و آنچه را از دست دادید کامل کنید»** [۱۳]، و هرگاه امام سلام گفت بقیه نمازش را در صورتی که جنازه را برنداشته اند کامل می کند و اگر ترسید که جنازه را ببرند،

فقهای ما رحمهم الله می گویند: مخیر است که نمازش را کامل کند و تکبیرها را دنبال کند یا آنکه همراه با امام سلام گوید. والله اعلم.

سؤال (۱۷): اوقاتی که در آن از نماز بر مردگان نهی شده ایم چه اوقاتی است؟ و چرا مردم برای خروج از اختلاف، پیش از نماز صبح یا پیش از نماز عصر اگر جمع شده باشند - به ویژه در حرمین - بر جنازه نماز نمی خوانند؟

پاسخ (۱۷): اوقاتی که در آن از نماز بر میت و دفن او نهی شده ایم سه وقت است:

- هنگام طلوع خورشید تا بالا رفتن آن به اندازه یک نیزه.

- و هنگامی که خورشید ظهر در بالاترین حالاتش باشد، یعنی: ده دقیقه پیش از زوال آفتاب.

- و هنگامی که به اندازه یک نیزه به غروب آن مانده باشد.

این سه وقت است؛ به دلیل حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه که می گوید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را نهی کرد که در سه هنگام نماز بگذاریم و مردگان خود را دفن کنیم»، و این سه وقت را ذکر کرد [۱۴].

اما پس از نماز صبح و پس از نماز عصر، هیچ نهی برای نماز بر میت در آن نیست، بنابراین نیازی نیست که نماز میت را زودتر و قبل از نمازهای عصر و صبح ادا کنیم، والله اعلم.

سؤال (۱۸): حکم برخاستن برای جنازه پیش از گذاشتن آن برای نماز و پیش از آنکه هنگام دفن بر زمین نهاده شود چیست؟ حکم قیام به هنگام

دفن چیست؟ چون مردم وقتی جنازه را برای نماز به مسجد می آورند ذکر بعد از نماز را ترک می کنند.

پاسخ (۱۸): برای انسان سنت است که در صورت عبور جنازه از کنار او برایش برخیزد؛ به دلیل آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به این کار امر نموده اند [۱۵]، اما درباره نماز بر آن پس از سلام امام [و پایان نماز فرض] می گوئیم: اگر مردم زیادی هستند که در حال تکمیل نمازشان هستند [و دیر به نماز رسیده اند] منتظرشان بمانید تا فضیلت نماز جنازه را از دست ندهند و همچنین تعداد نمازگزاران بر جنازه بیشتر شود و اگر کسی در حال تکمیل نمازش نیست یا تعدادش کم بود بهتر آن است که جنازه [برای نماز] پیش آورده شود تا مردم نروند.

سؤال (۱۹): اگر خانواده میت یا کسانی که او را بر دوش دارند هنگام نماز جلو آمدند و در سمت راست امام قرار گرفتند، آیا این کارشان اصل و اساسی در شرع دارد؟ سنت ثابت در این باره چیست؟

پاسخ (۱۹): اگر خانواده میت یا کسانی که او را حمل می کنند جنازه را نزد امام آوردند در کنار امام و در سمت راست یا چپ او نماز نمی خوانند بلکه در صفوف نماز به همراه دیگران نمازگزاران به نماز می ایستند، و اگر جایی نبود، پشت سر امام یعنی میان او و صف اول می ایستند، زیرا ایستادن با امام اگر دو نفر یا بیشتر باشند مشروع نیست، بلکه مشروع آن است که اگر جماعت نمازگزاران دو نفر یا بیشتر باشند، اما جلوتر از همه بایستند، اما اگر فرض کنیم که جایی بین امام و صف اول نبود، آنها در این حالت در سمت راست و چپ امام می ایستند و تنها سمت راست نمی ایستند مگر آنکه کسی که جنازه را گذاشته تنها یک نفر است مانند آنکه جنازه یک

کودک خردسال باشد و تنها یک نفر آن را حمل کرده و آورده و جایی در صف اول نیافته است که در این صورت در سمت راست امام می ایستد، والله اعلم.

سؤال (۲۰): آیا بر جنین سقط شده - هر جنینی که باشد - نماز خوانده می شود؟

پاسخ (۲۰): بر روی جنین سقط شده نماز خوانده نمی شود مگر در صورتی که روح در آن دمیده شده باشد و روح پس از گذشت چهار ماه در جنین دمیده می شود، چنانکه حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه دال بر آن است، آنجا که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم که راستگوی تایید شده است، خطاب به ما فرمود: «هر یک از شما در شکم مادرش چهل روز گردآوری می شود، سپس همانند آن [مدت] علقه (خون بسته) خواهد ماند، سپس مانند آن مضغه (پارچه گوشتی) خواهد بود، سپس ملائکه ای به سوی او فرستاده می شود و به چهار چیز امر می شود: به نوشتن روزی اش و اجلس و عملش و اینکه بدبخت است یا خوشبخت» [۱۶]، بنابراین اگر جنین سقط شده چهار ماهش را کامل کرده باشد غسل و کفن می شود و بر آن نماز گزارده می شود و همراه با مسلمانان در قبرستان دفن می شود و اگر به چهار ماه نرسیده باشد غسل و کفن نمی شود و بر آن نماز گزارده نمی شود و در هر زمینی دفن می شود.

سؤال (۲۱): آیا گذاشتن سر میت در سمت راست امام در حال نماز مشروع است؟

پاسخ (۲۱): در این باره در سنت چیزی نمی دانم، برای همین شایسته آن است که امامی که بر جنازه نماز می خواند سر جنازه را گاه سمت چپ خود قرار دهد تا مردم بدانند که گذاشتن سر میت در سمت راست امام واجب نیست؛ چون مردم گمان می کنند که باید حتما سر جنازه در سمت راست امام باشد و این اصل و اساسی ندارد.

سؤال (۲۲): اگر مرد به دلیلی مانند ازدحام یا انجام سنت راتبه یا تمام کردن نماز فرض یا دیگر موارد به نماز جنازه نرسید و همراه با جنازه نرفت ولی پیش از دفن جنازه به قبرستان رسید، آیا از جمله تشییع کنندگان جنازه به شمار می رود و اجر تشییع گر جنازه را خواهد داشت؟

پاسخ (۲۲): اگر به دلیل خواندن سنت راتبه به نماز جنازه نرسد اجر نماز جنازه را به دست نخواهد آورد چون ترک نماز راتبه ممکن است و می تواند نماز راتبه را به وقتی که از تشییع جنازه برمی گردد موکول کند. اما اگر به دلیل عذری به آن نرسد و تلاشش را کرده که در تشییع شرکت کند اما مانعی در برابرش قرار گرفته یا مردم عجله کرده اند و بر جنازه نماز خوانده اند و آن را به مقبره برده اند، ظاهرا اجر آن برایش نوشته می شود؛ زیرا او نیت این کار را داشته و آنچه در توانش بوده را انجام داده و کسی که نیت کند و آنچه در توان دارد را انجام دهد برای او اجر کامل نوشته می شود، الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَعَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: 100]

{و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه الله و پیامبرش از خانه اش بیرون آید سپس مرگش فرا رسد پاداش او قطعا بر الله است { [نساء: ۱۰۰]، اما اگر برایش امکان داشت که در مقبره بر او نماز بگذارد چنین کند.

سؤال (۲۳): برای کسانی که نماز بر میت در مسجد را از دست داده اند - یک نفر باشد یا چند نفر - آیا جایز است که پیش از دفن میت در قبرستان یا پس از دفن او بر قبرش نماز بگذارند؟

پاسخ (۲۳): بله این جایز است، اما اگر بتوانند قبل از دفن بر او نماز بگذارند چنین کنند و اگر پس از دفن رسیدند بر قبر نماز می خوانند؛ زیرا از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت است که بر قبر نماز [میت] خوانده اند [۱۷].

سؤال (۲۴): اگر شخص وارد مسجد شد و نماز فرض را همراه با امام از دست داد و میت را برای نماز بر او آوردند، آیا همراه با امام بر جنازه نماز بگذارد یا نماز فرضش را بخواند؟

پاسخ (۲۴): همراه با امام بر جنازه نماز می گزارد؛ زیرا نماز فرض را می تواند بعدا ادا کند اما بر جنازه نماز خواهند خواند و سپس آن را خواهند برد.

سؤال (۲۵): حکم نماز بر میت اگر تارک نماز بوده یا شک داریم که تارک نماز بوده یا حال او مجهول است چیست؟ و آیا برای ولی امر او جایز است که او را برای ادای نماز جنازه بیاورد؟

پاسخ (۲۵): اما کسی که می دانیم بی نماز بوده و از دنیا رفته؛ نماز خواندن بر او جایز نیست زیرا او کافر و مرتد است و واجب است که در غیر قبرستان برایش زمین را بکنند و در آن بیندازند [و بر او خاک بریزند] و بر او نماز گزارده نمی شود زیرا هیچ کرامتی ندارد و در روز قیامت همراه با فرعون و هامان و قارون و ابی بن خلف محشور می شود. اما کسی که حالش مجهول است [که اهل نماز بوده یا خیر] یا در مورد او شک است؛ بر او نماز خوانده می شود زیرا اصل بر این است که او مسلمان است تا آنکه ثابت شود که مسلمان نیست، اما اشکالی ندارد اگر انسان نسبت به کسی شک دارد در هنگام دعا بگوید: «اللهم إن كان مؤمناً فاغفر له وارحمه» (بارالها اگر مؤمن است او را بیامرزد و مورد رحمت قرار ده)؛ زیرا استثنای در دعا درباره کسانی که همسران خود را به زنا متهم می کنند سپس چهار شاهد نمی آورند ثابت است، آنجا که مرد در صورت ملاعنه با همسرش در پنجمین بار می گوید: {که لعنت الله بر او باد اگر از دروغگویان است} [نور: ۷]، و زن نیز در بار پنجم می گوید:

﴿وَالْخَمِيسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [النور: ۹]

{که خشم الله بر او [یعنی زن] باد اگر [شوهر] از راستگویان است} [نور: ۹].

سؤال (۲۶): آیا آوردن شرط در هنگام دعا بر میت در نماز بر او جایز است؟ مانند آنکه بگوییم: «بارالها اگر او شهادت می داد که مبعودی به حق جز الله نیست...» و آیا این اصل و اساسی در شرع دارد؟

پاسخ (۲۶): اگر انسان نسبت به میت شک قوی داشته باشد اشکالی ندارد که بگوید: «اللهم إن كان مؤمناً فاغفر له وارحمه» (بارالها اگر مؤمن است او را بیامرز و مورد رحمت قرار ده)، اما اگر شکی قوی نسبت به او نداشت شرط نیامورد؛ زیرا اصل دربارهٔ مسلمانان آن است که بر اسلام خود [باقی مانده] باشند. و شرط گذاشتن در دعا اصل و اساس دارد؛ از جمله این سخن حق تعالی در آیه «لعان» که می فرماید:

﴿وَالْخَمِيْسَةُ أَنْ لَعَنْتَ اللَّهَ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ﴾ [النور: 7]

{که لعنت الله بر او باد اگر از دروغگویان است} [نور: ۷]، و زن می گوید:

﴿وَالْخَمِيْسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ﴾ [النور: 9]

{که خشم الله بر او [یعنی زن] باد اگر [شوهر] از راستگویان است} [نور: ۹]. همینطور شرطی که از سعد بن ابی وقاص [در دعایش علیه کسی که به او تهمت زده بود] ثابت است: «یا الله اگر این شخص برای ریا و خودنمایی برخاسته [و چنین می گوید] عمرش را دراز و فقرش را طولانی گردان و او را در معرض فتنه ها قرار ده» [۱۸].

و این همچنین در عموم سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم داخل است که خطاب به ضباعه دختر زبیر فرمود: «برای تو نزد پروردگارت هر آن چیزی است که استثنا کنی» [۱۹].

سؤال (۲۷): کدام یک بهتر است: حمل جنازه بر روی دوش یا بر روی اتومبیل؟ و کدام یک بهتر است: راه رفتن در برابر جنازه یا پشت جنازه چه آنکه پیاده آن را ببریم یا سواره؟

پاسخ (۲۷): بهتر آن است که جنازه بر دوش حمل شود؛ زیرا این مباشرت و حمل مستقیم جنازه است؛ و این برای موعظه و پند گرفتن بهتر است و همینطور اگر جنازه در برابر مردم و در بازارها حمل شود می دانند که این جنازه است و برایش دعا می کنند و این همچنین از فخر فروشی و ابهت به دور است، اما اگر نیاز یا ضرورت [به حمل با خودرو] باشد اشکالی ندارد، مانند آنکه هوا بارانی یا خیلی گرم یا خیلی سرد باشد یا تعداد تشییع کنندگان کم باشد که در این صورت اشکالی ندارد. اما درباره رفتن با جنازه، علما گفته اند که راست و چپ و روبرو و پشت جنازه متفاوت است؛ پیاده ها در برابر جنازه و سواره ها در پشت جنازه حرکت می کنند، و برخی از علما گفته اند که: انسان می نگرد که کدام یک آسان تر است، چه در برابر جنازه باشد یا سمت راست یا سمت چپ یا پشت جنازه.

سؤال (۲۸): معنای «تربیع» در حمل جنازه چیست؟ و آیا این اساسی دارد؟

پاسخ (۲۸): تربیع در حمل جنازه یعنی جنازه کش را از چهار پایه آن چهار نفر حمل کنند و از پایه راست جلو - از جهت میت - شروع کنند سپس به [پایه راست] عقب برگردد، سپس به پایه چپ - به نسبت میت - از جلو برود سپس به پایه [چپ] عقب برگردد، و در این باره آثاری از سلف نقل شده و علما آن را مستحب دانسته اند، اما بهتر برای انسان آن است

که در صورت ازدحام هر آنچه آسان تر است را انجام دهد، به طوری که خودش و دیگران خسته نشود.

سؤال (۲۹): کسی که جنازه را تا مقبره دنبال می کند چه هنگام می نشیند؟

پاسخ (۲۹): او هنگام گذاشته شدن جنازه در قبر یا هنگامی که به زمین نهاده شد در انتظار پایان حفر قبر، می نشیند.

سؤال (۳۰): آیا تاخیر دفن میت در قبرش برای آنکه گروهی برای نماز بر او بیایند جایز است، اگرچه مدت این تاخیر کمتر از ده دقیقه باشد، در صورتی که در مسجد نیز بر او نماز برگزار شده باشد؟

پاسخ (۳۰): تسریع در [دفن] جنازه سنت است و بهتر است، و بهتر است که منتظر کسی نمانند و آنانی که دیر آمده اند می توانند بر او نماز بگذارند حتی پس از دفن، زیرا ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر قبر نماز [میت] خوانده اند [۲۰].

سؤال (۳۱): میت را باید از کدام جهت به قبرش داخل کرد؟

پاسخ (۳۱): از همان جهت که آسان تر است، اما برخی از علما گفته اند که برای مرد سنت است که از جهت پاها وارد قبر شود و برخی گفته اند سنت است که از جهت جلو وارد شود، اما در این قضیه گشایش است.

سؤال (۳۲): پوشاندن قبر زن هنگامی که او را در قبرش وارد کرده اند چه حکمی دارد؟ و مدت این پوشاندن چقدر است؟

پاسخ (۳۲): برخی از علما گفته اند که قبر زن هنگامی که در قبرش نهاده شد [تا پیش از ریختن خاک بر آن] پوشانده می شود تا بدن او نمایان نگردد، اما این کار واجب نیست و این پوشاندن تا وقتی است که خشت ها بر [لحد] او گذاشته شود.

سؤال (۳۳): بسیاری از مردم هنگام دفن میت صدای خود را بلند می کنند، آیا این کار اشکالی دارد؟

پاسخ (۳۳): این کار اگر به آن نیازی باشد اشکالی ندارد، یعنی اگر مثلاً کسی فریاد بزند که به من خشت بده، یا آب بیاور. بنابراین تا وقتی که به آن نیاز باشد اشکالی ندارد.

سؤال (۳۴): نظر شما درباره کار کسانی که هنگام لحدگذاری برای میت برای مردم موعظه و اندرز می گویند چیست؟ و آیا مداومت بر این کار ایرادی دارد؟

پاسخ (۳۴): به نظر من این کار سنت نیست زیرا از پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه رضی الله عنهم چنین چیزی نقل نشده است، و نهایتش این است که ایشان صلی الله علیه وسلم یک بار برای تشییع جنازه مردی از انصار خارج شدند و نشستند و مردم گرد ایشان نشستند تا آنکه لحد کننده شود و پیامبر صلی الله علیه وسلم [در این مدت] برایشان درباره حال انسان پس از مرگ و پس از دفن سخن گفتند [۲۱]، همینطور یک بار نزد قبری بودند که [میت در آن] در حال دفن بود، پس فرمودند: «کسی از شما نیست مگر آنکه جایگاهش در بهشت و جایگاهش در دوزخ نوشته شده است» [۲۲].

اما به این شکل نبود که به عنوان سخنران در میان آنها بایستد چنانکه برخی انجام می دهند، بلکه با آنان چنانکه در مجالس سخن می گویند، سخن گفت و این را عادت دائم خود [در همه تشییع جنازه ها] قرار نداد، مثلا: اگر شخصی نشسته باشد و مردم هم در مقبره گرد وی نشسته باشند و منتظر باشند و او چنین سخنانی بگوید اشکالی ندارد و این از سنت است، اما اینکه برخیزد و سخنرانی کند این از سنت نیست.

سؤال (۳۵): حکم وارد شدن با پای راست به قبرستان و خارج شدن با پای چپ چیست؟

پاسخ (۳۵): در این باره از پیامبر صلی الله علیه وسلم سنتی وجود ندارد و بر این اساس انسان هرطور که مصادف شد وارد می شود، یعنی اگر پای راستش جلوتر بود با پای راست وارد می شود و اگر پای چپش بود، با پای چپ؛ تا آنکه دلیلی از سنت آشکار شود.

سؤال (۳۶): دعای مشروع به هنگام ریختن خاک بر روی میت چیست؟ و آیا حدیثی درباره خواندن این آیه در این هنگام وارد شده است که:

﴿ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴾ [طه:]

[55]

پاسخ: (۳۶): برخی از علما گفته اند که سنت است سه مشت خاک بر آن پاشیده شود، اما خواندن آیه

﴿ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴾ [طه:]

[55]

در این باره حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد نشده است. اما آنچه پس از دفن سنت است همان چیزی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن امر نموده، پس چون دفن میت به پایان رسید بر [قبر] او می ایستد و می گوید: «برای برادران آمرزش بطلبید و پایداری بخواهید، زیرا او اکنون مورد پرسش قرار می گیرد» [۲۳]، و می گوئیم: اللهم اغفر له، اللهم اغفر له، اللهم اغفر له، اللهم ثبته، اللهم ثبته، اللهم ثبته یا الله او را پیامرز (سه بار) یا الله او را پایدار بدار (سه بار)

سؤال (۳۷): روش تعزیه (تسلیت گفتن و آرام کردن داغدیده) چگونه است؟

پاسخ (۳۷): بهترین صیغه تعزیه همان چیزی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در تسلیت به یکی از دخترانشان فرمودند، هنگامی که دخترشان فرستاده ای را به نزد ایشان فرستادند تا حاضر شود و پسر یا دختر ایشان در حال وفات بود، پس ایشان علیه الصلاة والسلام به آن فرستاده فرمودند: «او را امر کن که صبر پیشه سازد و احتساب [اجر] کند؛ زیرا برای الله بوده آنچه که گرفته و برای اوست آنچه باقی گذاشته و همه چیز نزد او مهلت و زمان مشخصی دارد» [۲۴].

اما آنچه نزد مردم مشهور است که می گویند: «عظم الله أجرك، وأحسن الله عزاءك، وغفر الله لميتك» سخنی است که برخی از علما آن را برگزیده اند اما آنچه در سنت آمده اولی و بهتر است.

سؤال (۳۸): آیا مصافحه (دست دادن) در تعزیه سنت است؟

پاسخ (۳۸): مصافحه در تعزیه سنت نیست و بوسیدن نیز سنت نیست و بلکه مصافحه به هنگام به هم رسیدن سنت است، بنابراین اگر به صاحب مصیبت رسیدی و به او سلام گفتی و با او دست دادی این برای به هم رسیدن سنت است نه برای تعزیه.

اما اگر مردم این را به عنوان عادت گرفتند، اگر معتقد باشند که این سنت است باید بدانند که سنت نیست اما اگر صرفاً به عنوان یک عادت است بدون آن به سنت بودن آن معتقد باشند اشکالی ندارد اما نزد من کمی نگران کننده است و ترک آن بدون شک بهتر است.

مسئله دیگری هم هست که باید به آن توجه کرد؛ اینکه هدف از تعزیه، تقویت مصیبت دیده برای صبر و احتساب اجر از الله عزوجل است، نه مانند تبریک که هر کس مناسبتی برایش رخ داده باشد به او تبریک می گویند،

اما اگر کسی دچار مصیبت مرگ [نزدیکان] شد مناسبتش آن است که تعزیه شود یعنی با [گفتن] چیزی که صبر او و احتساب اجر از الله را برای او قوی کند.

سؤال (۳۹): وقت تعزیه از چه زمانی [تا چه زمانی] است؟

پاسخ (۳۹): وقت تعزیه از زمان مرگ میت یا رخ دادن مصیبت است - اگر مصیبتی جز مرگ باشد - تا وقتی که مصیبت فراموش شود و [سختی آن] از نفس صاحب مصیبت برود؛ زیرا هدف از تعزیه چنانکه گفتیم تبریک یا خوش و بش نیست، بلکه منظور از تعزیه تقویت مصیبت دیده برای تحمل این مصیبت و احتساب اجر است.

سؤال (۴۰): آیا تعزیه گفتن پیش از دفن میت جایز است؟

پاسخ (۴۰): بله، تسلیت گفتن پیش از دفن و پس از آن جایز است و چنانکه گفتیم وقت آن از هنگام مرگ میت تا زمانی است که مصیبتش فراموش شود.

سؤال (۴۱): حکم رفتن به خانه اهل میت برای تعزیه چیست؟

پاسخ (۴۱): این کار در سنت اصل و اساسی ندارد اما اگر آن شخص از نزدیکان تو بود و ترسیدی که در صورت نرفتن به خانه شان این باعث قطع رابطه شود اشکالی ندارد که بروی، اما برای اهل آن میت این مشروع نیست که در خانه جمع شوند و مردمی که برای تسلیت گفتن می آیند را بپذیرند زیرا سلف این کار (جمع شدن در خانه میت به قصد تعزیه) را از جمله نوحه خوانی دانسته اند، بلکه خانه را می بندند (برای این کار باز نمی گذارند) و هرکس آنان را در بازار یا در مسجد دید به آنان تسلیت می گوید.

اینجا دو مسئله هست:

نخست: رفتن به خانه میت که این مشروع نیست مگر آنکه از نزدیکان میت باشد و بترسد که نرفتنش به نزد آنان باعث قطع رابطه شود.

دوم: نشستن [اهل میت] در خانه به قصد استقبال از مردمی که به قصد تسلیت می آیند که این اصلی ندارد بلکه برخی از سلف این کار را به همراه درست کردن غذا از جمله نوحه خوانی دانسته اند.

سؤال (۴۲): آیا قرار دادن سر میت به سمت جلو در حال بردنش سنت

است یا خیر؟

پاسخ (۴۲): ظاهر آن است که میت را از جهت سر او حمل می کند یعنی سر او باید جلو باشد، اما اینکه پاهایش جلو باشد ظاهر آن است که این خلاف اولی است اما در این باره سنتی از پیامبر صلی الله علیه وسلم سراغ ندارم.

سؤال (۴۳): درباره پاشیدن سه مشت خاک، آیا این [در سنت] اصلی دارد که باید از جهت سر میت باشد؟

پاسخ (۴۳): نه، این اصل و اساسی ندارد و بلکه امر در این مسئله واسع است (یعنی از هر جهت بپاشد درست است).

سؤال (۴۴): تلقین میت پس از دفنش چه حکمی دارد؟

پاسخ (۴۴): قول راجح آن است که میت پس از دفن تلقین نمی شود بلکه برایش استغفار می شود و از الله برایش پایداری خواسته می شود؛ زیرا حدیث وارده درباره این تلقین یعنی حدیث ابوامامه [۲۵] ضعیف است.

سؤال (۴۵): برخی از مسلمانان پیش از دفن میت برای او از دیگران شهادت و گواهی می طلبند؛ مثلاً نزدیکش یا ولی او می گوید: بر او چه شهادتی می دهید؟ و آنان نیز شهادت می دهند که او اهل صلاح و استقامت بوده است. آیا این در شرع اساسی دارد؟

پاسخ (۴۵): این کار در شرع اصلی ندارد و برای انسان شایسته نیست که چنین بگوید زیرا این از جمله بدعت است و همچنین احتمال دارد کسی بر او به شر گواهی دهد و این باعث آبروریزی شود، اما چیزی که در سنت آمده این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم همراه با اصحابشان بودند، پس جنازه ای از کنار آنان گذشت و مردم بر او ثنای خیر گفتند، پس پیامبر

صلی الله علیه وسلم فرمودند: «واجب شد» سپس جنازه ای دیگر گذشت و از او به بدی یاد کردند، پس ایشان علیه الصلاة والسلام فرمودند: «واجب شد». پرسیدند: معنای این «واجب شد» چیست؟ فرمود: «آنکه برایش ثنای خیر گفتید بهشت برایش واجب شد و دومی که بر او ثنای شر گفتید دوزخ بر او واجب شد» حدیث یا معنایش چنین است [۲۶].

سؤال (۴۶): آیا گذاشتن چیزی بر قبر از [شاخه] درختان تر و غیر آن از سنت است؟ به دلیل صاحبان آن دو قبر که عذاب داده می شدند [۲۷]، یا این خاص به پیامبر صلی الله علیه وسلم است؟ و دلیل این خاص بودن چیست؟

پاسخ (۴۶): گذاشتن چیزی تر از جمله شاخه تر درخت یا غیر آن بر قبر سنت نیست، بلکه بدعت و نوعی سوء ظن به میت است؛ زیرا پیامبر علیه الصلاة والسلام بر هر قبری چیزی نمی گذاشتند، و بلکه بر این دو قبر گذاشتند چون دانستند که آن دو عذاب می بینند. بنابراین گذاشتن شاخه تر بر قبر جنایتی بزرگ بر میت و سوء ظن به اوست و برای هیچکس جایز نیست که نسبت به برادر مسلمانش سوء ظن داشته باشد؛ زیرا این شخصی که بر این قبر شاخه ای می گذارد معتقد است که صاحب این قبر عذاب می شود؛ چراکه پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن دو قبر [شاخه تر] نگذاشتند مگر هنگامی که دانستند آنان در حال عذاب هستند. خلاصه پاسخ این است که: گذاشتن شاخه تر و مانند آن بر قبر بدعت است و سوء ظن به میت است؛ زیرا کسی که این شاخه را می گذارد گمان می کند که صاحب این قبر دارد عذاب می بیند و می خواهد عذاب او را کم کند، سپس

از سوی دیگر ما نمی دانیم اگر کاری را که پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام داد، انجام دهیم، آیا الله تعالی شفاعت ما را درباره او خواهد پذیرفت یا خیر؟

سؤال (۴۷): هنگامی که امام سلام نماز فرض را می دهد [و نماز فرض را به پایان می رساند] اهل میت به سرعت او را برای نماز میت می آورند، به این دلیل که دفن او را سریع تر انجام دهند. امیدواریم آنچه برای آنان واجب است را بیان کنید و در این باره چه نصیحتی برای امام دارید؟

پاسخ (۴۷): نظر من این است که هرگاه امام سلام نماز فرض را داد، اگر هنوز مردمی هستند که نمازشان را به پایان می رسانند (دیر به نماز رسیده اند) - و این افراد کم نیستند - بهتر آن است که برای آوردن جنازه صبر کند تا آنکه نمازگزاران بر جنازه بیشتر شوند و ثوابش را از دست ندهند، اما اگر سببی نباشد مبادرت برای آن [و زودتر آوردن میت برای نماز] بهتر و اولی است.

سؤال (۴۸): آیا برای ولی میت جایز است که از تشییع کنندگان بخواهد که او را حلال کنند؟

پاسخ (۴۸): این از جمله بدعت است و سنت نیست؛ یعنی اینکه بگوید: او را حلال کنید. زیرا اگر میان شخص و دیگران تعاملی نباشد در این صورت در دل آنان چیزی علیه او نیست و کسی که با مردم تعاملی داشته اگر آنچه واجب بوده را انجام داده دیگر در دل طرف مقابلش چیزی نیست و اگر حقیقتش را ادا نکرده شاید او را حلال کند و شاید نکند، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت است که فرمودند: «کسی که اموال مردم را بگیرد و

قصده ادای آن (برگرداندن آن) را داشته باشد الله از او ادا می کند و کسی که آن را به قصد تلف کردنش بگیرد الله او را تلف می سازد» [۲۸].

سؤال (۴۹): زیارت مقابر بر چند نوع است؟

پاسخ (۴۹): قبرستان را انسان برای عبرت و پند و به امید پاداش زیارت می کند، و برای انجام امر پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «قبرها را زیارت کنید، زیرا آخرت را یادآور می شود» [۲۹]، اما کسی که برای تبرک به زیارت قبور می رود یا برای دعا و درخواست از اصحاب قبور، این چیز الحمدلله نزد ما وجود ندارد هر چند در برخی از سرزمین های اسلامی موجود است، و این از جمله زیارت هایی است که ممکن است فقط بدعت باشد و ممکن است شرک آلود باشد.

و زیارت قبور بر دو نوع است:

- یک نوع که انسان به هدف زیارت قبر شخص خاصی برود و نزد آن قبر بایستد و برای او هر آنچه الله عزوجل خواسته دعا کند، چنانکه پیامبر علیه الصلاة والسلام انجام داد آنگاه که از الله عزوجل اجازه خواست که برای مادرش استغفار کند اما الله به او اجازه نداد و اجازه خواست که او را زیارت کند و به ایشان اجازه داد، پس ایشان - صلوات الله و سلامه علیه - به همراه گروهی از اصحابشان به زیارت مادرشان رفتند [۳۰].

- نوع دوم: این است که قصد او زیارت عموم قبرستان باشد، اینجا در برابر قبور می ایستد و سلام می گوید چنانکه پیامبر علیه الصلاة والسلام هنگام زیارت بقیع سلام می کردند و می گوید: «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ دَارِ قَوْمٍ

مُؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَمِنكُمْ
وَالْمُسْتَأْخِرِينَ، نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُمْ، وَلَا
تَقْتِنَّا بَعْدَهُمْ، وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ» [۳۱].

سؤال (۵۰): آیا رو کردن به قبله هنگام سلام بر میت مشروع است؟

پاسخ (۵۰): بر همان طرف که هست بر میت سلام می گوید و در حالی
که ایستاده برای او دعا می کند بدون آنکه به سوی قبله شود.

سؤال (۵۱): آیا سنت آن است که مرد تنها هنگام وارد شدن به قبرستان
بر مردگان سلام کند یا هنگام عبور [از کنار مقبره] در خیابان نیز این کار
مشروع است؟

پاسخ (۵۱): فقها رحمهم الله گفته اند: سنت است که دعایی که بیان
کردم را بگوید، چه به زیارت قبرستان رفته باشد و چه از کنار آن عبور کند.
سؤال

(۵۲): چه چیزهایی در دوران حِداد بر زن حرام است؟ با ذکر دلیل.

پاسخ (۵۲): آنچه بر زن در هنگام حِداد (دوران سوگ پس از مرگ
شوهر) ممنوع است: نخست: اینکه از خانه خارج شود مگر برای نیاز،
مانند آنکه بیمار باشد و نیاز به رفتن به بیمارستان داشته باشد و در هنگام
روز به آنجا برود، یا به سبب یک ضرورت، مانند آنکه خانه در سُرف ویرانی
باشد و بترسد که بر او بیافتد یا آنکه خانه در حال سوختن باشد یا مانند
آن، علما گفته اند: برای نیاز به هنگام روز بیرون برود اما به هنگام شب تنها
در صورت ضرورت بیرون برود.

ثانیا: استفاده از عطر؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم زنی را که در حِداد بود نهی کردند که از عطر استفاده کنند مگر پس از پاکی [از عادت ماهیانه] که کمی از اظفار (نوعی عطر) برداشته و پس از حیض از آن استفاده می کند تا اثر حیض از بین برود [۳۲].

ثالثا: اینکه لباسی زیبا که زینت به شمار می آید بپوشد؛ زیرا پیامبر علیه الصلاة والسلام از آن نهی کرده است [۳۳] و بلکه لباس عادی می پوشد، همانند همان لباسی که در خانه می پوشد بدون آنکه خود را آراسته باشد. (یعنی مانند لباس مهمانی و عروسی که نوعی زینت است نباشد).

چهارم: اینکه از سرمه استفاده نکند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم از این کار نهی کرده اند [۳۴] و اگر مجبور بود با آنچه رنگش پیدا آشکار نمی شود در شب سرمه کند و روز آن را پاک کند.

پنجم: اینکه از جواهرات استفاده نکند؛ زیرا وقتی که از پوشیدن لباس زیبا نهی شده باشد، جواهرات من باب اولی مورد نهی است.

و برایش سخن گفتن با مردان و سخن گفتن با تلفن جایز است و جایز است که به کسانی که امکان وارد شدن آنان به خانه هست، اجازه ورود بدهد و در هنگام روز و شب بالای پشت بام خانه برود، و لازم نیست که هر جمعه غسل کند چنانکه برخی از عوام گمان می کنند و اینکه هر هفته مویش را باز کند.

وهمینطور لازم نیست و بلکه مشروع نیست که پس از پایان عده چیزی را با خود بیرون ببرد و به اولین کسی که با او روبرو شد صدقه بدهد، زیرا این کار بدعت است.

سؤال (۵۳): آیا برای زنی که شوهرش از دنیا رفته لازم است که در همان خانه ای که خبر وفات شوهرش به او رسیده حداد کند یا در خانه شوهرش؟ و آیا جایز است که از این خانه به خانه خانواده اش یا کسی دیگر نقل مکان کند؟

پاسخ (۵۳): برای او لازم است در همان خانه ای بماند که در آن ساکن بوده است. فرض کنیم که او به دیدار خویشاوندانش رفته و در این حال خبر وفات شوهرش به او رسیده است؛ اینجا لازم است که به خانه ای که در آن ساکن بوده برگردد،

و قبلاً پنج موردی که نباید انجام دهد را گفتیم و گفتیم که نباید از خانه اش خارج شود.

سؤال (۵۴): از شما خواهشمندم که به تفصیل درباره مسئله زیارت قبور توسط زنان بپردازید.

پاسخ (۵۴): زیارت قبور توسط زنان حرام است و بلکه از گناهان کبیره است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم زنانی را که به زیارت قبور می روند لعن کرده اند [۳۵]، اما اگر زنی بدون آنکه به قصد زیارت قبور از خانه خارج شده از قبرستان گذشت، اشکالی ندارد که بایستد و برای آنان دعا کند، چنانکه از ظاهر حدیث عایشه رضی الله عنها در صحیح مسلم [۳۶] برمی آید.

سؤال (۵۵): اخیراً تسلیت از طریق روزنامه ها و مجلات شایع شد است و خانواده میت هم با این تسلیت را با تشکر [در همان مجلات] پاسخ می دهند. حکم این کار چیست؟ و آیا در «نعی» ممنوع وارد می شود؟ چون این

تسلیت و پاسخ به آن ممکن است گاه یک صفحه از روزنامه را اشغال کند که روزنامه برای آن ده هزار ریال سعودی می گیرد؛ آیا این اسراف و تبذیر به حساب نمی آید؟

پاسخ (۵۵): بله، به نظر من این ممکن است از جمله نعی باشد که از آن نهی شده است و اگر هم نعی نباشد - چنانکه در سؤال آمده - نوعی اسراف و هدر دادن مال است. تعزیه در واقع مانند تبریک نیست که انسان تلاش کند حتماً انجامش دهد و فرقی نکند که شخص مصیبت دیده غمگین باشد یا [به دلیل گذشت زمان زیادی از مرگ عزیزش] دیگر غمگین نباشد. منظور از تعزیه و تسلیت این است که اگر مصیبت دیده ای را دیدی که مصیبت در او اثر گذاشته او را برای تحمل آن مصیبت یاری دهی و قوی سازی، هدف از تعزیه این است نه آنکه از جمله تعارف باشد و مانند تبریک باشد، و مردم اگر هدف از تعزیه را بدانند به این جایی نمی رسیدند که شما به آن اشاره کردید یعنی نشر آن در روزنامه ها یا جمع شدن برای آن و پذیرایی از مردم و آوردن غذا و دیگر کارها.

سؤال ۵۶: درباره وقت تعزیه گفتید که تعزیه می تواند برای غیر میت باشد، بنابراین آیا تعزیه در غیر این مورد نیز مشروع است؟ و روش آن تعزیه [و صیغه آن] چیست؟

پاسخ (۵۶): تعزیه یعنی تقویت شخص مصیبت دیده برای تحمل صبر و این ممکن است برای غیر مرگ کسی باشد، مثل آنکه شخصی دچار مصیبت از دست دادن مال بسیار یا مانند آن شود؛ در این حالت به نزد او می روی و او را تعزیه (تسلیت) می گویی و او را برای تحمل صبر یاری می دهی تا آنکه از آن مصیبت اثر بدی به او نرسد.

سؤال (۵۷): مخصوص گرداندن دو عید و روز جمعه برای زیارت قبول چه حکمی دارد؟

پاسخ (۵۷): این کار بی اساس است؛ ویژه ساختن زیارت قبور به روز عید و اعتقاد به اینکه این کار مشروع است از جمله بدعت ها به شمار می آید، زیرا از پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین چیزی وارد نشده و کسی از علما را نمی شناسم که چنین گفته باشد.

اما درباره روز جمعه برخی از علما گفته اند که شایسته است زیارت [قبور] در روز جمعه باشد؛ با این حال در این باره اثری از رسول الله علیه الصلاة والسلام نیاورده اند.

سؤال (۵۸): برای زنان چه فرقی میان زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم و قبور دیگران هست؟ و آیا این نهی عام است یا قبر پیامبر علیه الصلاة والسلام از آن مُستثنی است؟

پاسخ (۵۸): دلیلی وجود ندارد که دال بر تخصیص قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد و آن را از نهی زیارت قبور برای زنان خارج سازد؛ بنابراین به نظر ما برای زنان زیارت قبر پیامبر علیه الصلاة والسلام مانند زیارت هر قبر دیگری است، و برای زن - الحمدلله - همین کافی است که در نمازش یا در دیگر حالات بر پیامبر علیه الصلاة والسلام بفرستد و اگر سلام بفرستد، هر جایی که باشد این سلام او به پیامبر علیه الصلاة والسلام رسانده می شود.

سؤال (۵۹): نوشتن بر قبور یا مشخص کردن قبرها با رنگ کردن آن چه حکمی دارد؟

پاسخ (۵۹): اما رنگ کردن از جنس گچ کاری است و پیامبر علیه الصلاة والسلام از گچ کاری قبور نهی کرده اند [۳۷]، و همچنین این ذریعه و دستاویزی است برای آنکه مردم به این رنگ کردن ها مباحات کنند و قبور به عرصه فخرفروشی تبدیل شود برای همین شایسته است از این کار دوری شود.

از نوشتن بر قبور نیز پیامبر علیه الصلاة والسلام نهی کرده اند [۳۸]، اما بعضی از علما در موردی که نوشتن فقط برای اعلام نام میت و بدون هیچ مدح و ثنایی باشد تخفیف داده اند [و آن را بی اشکال دانسته اند] و نهی [وارد در حدیث] را برای نوشتن دانسته اند که شامل بزرگداشت صاحب قبر باشد و گفته اند: به این دلیل که نهی از نوشتن همراه با نهی از گچ کاری قبور و ساختن بر آن آمده است.

سؤال (۶۰): هر گاه کسی که به نیکوکاری و علم مشهور بوده از دنیا می رود زائران قبر او که به روش شرعی زیارت می کنند زیاد می شود، اما برخی از طلاب علم بنا بر سد ذرائع و از ترس شرک از این کار نهی می کنند. سخن شما در این باره چیست؟

پاسخ (۶۰): نظر من همان چیزی است که این طلاب علم می گویند، یعنی آنکه زیارت بسیار [قبور] علما و اهل عبادت شاید در پایان به غلوی منجر شود که به وقوع در شرک بیانجامد، برای همین شایسته است که بدون زیارت قبور آنان برایشان دعا شود، و الله عزوجل اگر این دعا را بپذیرد این برای میت سودمند است، چه انسان نزد قبر او باشد و برایش نزد قبرش دعا کند یا آنکه در خانه اش یا در مسجد برایش دعا کند، همه این ها ان شاء الله می رسد.

و نیازی به تردد به قبر او نیست؛ زیرا آن محذوری که برخی از طلاب علم به آن اشاره کرده اند وارد است، به ویژه با گذر زمان.

سؤال (۶۱): گاه کسی که شری برای مردم داشته می میرد و مردم به بیان شر او می پردازند، علی رغم آنکه در حدیثی که در صحیح بخاری روایت شده آمده که: «مردگان را ناسزا نگویند، که آنها به نتیجه اعمالشان رسیده اند» [۳۹]. آیا آنان با این کارشان در محذور واقع شده اند؟

پاسخ (۶۱): آری، اگر منظور از آن دشنام و شماتت آن میت باشد این جایز نیست اما اگر منظور برحذر داشتن از کار او و روشی است که در زندگی داشت، این اشکالی ندارد زیرا هدف از آن یک مصلحت است.

سؤال (۶۲): گذاشتن «قطیفه» (نوعی پارچه که به عنوان لباس یا زیرانداز از آن استفاده می شود) در قبر برای میت چه حکمی دارد؟ به دلیل آنچه مسلم از ابن عباس روایت کرده که در قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم قطیفه ای قرمز گذاشتند [۴۰]؟

پاسخ (۶۲): علما گفته اند که اشکالی ندارد در آن (یعنی در قبر) قطیفه انداخته شود اما به نظر من این جای ایراد دارد؛ زیرا از هیچ یک از صحابه چنین کاری نقل نشده، و شاید این از ویژگی های پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد، زیرا اگر این دروازه باز شود مردم در این باره به رقابت با هم خواهند پرداخت و هرکس دوست خواهد داشت که زیر میت او قطیفه ای و زیراندازی بهتر از دیگری انداخته شود تا آنجا که قبور هم موضع مباهات [و رقابت] میان مردم شود و ذرایع اگر به امر ممنوعی منجر شود باید [همان اول] از آن جلوگیری شود.

سؤال (۶۳): آیا دلیلی هست که کسی از صحابه، بر شقران به دلیل گذاشتن آن قطیفه [در قبر] انکار کرده باشند؟ و سند روایتی که [ادعا می کند] صحابه آن قطیفه را بیرون آوردند چقدر صحیح است؟ پاسخ (۶۳): در این باره چیزی نمی دانم.

سؤال (۶۴): رسول الله صلی الله علیه وسلم در روایتی که مسلم از ابوهریره نقل کرده می فرمایند: «هرگاه روح مسلمان [از کالبدش] بیرون آید دو ملائکه آن را گرفته بالا می برند» حماد می گوید: پس از خوشبویی آن یاد کرد و مشک را نام برد و فرمود: «و اهل آسمان می گویند: روحی پاک از سوی زمین آمده است، درود الله بر تو و بر بدنی که تو آبادش ساخته بودی. پس او را به سوی پروردگارش می برند، سپس الله می فرماید: او را [به آنجایی که برایش آماده شد] ببرید تا آخر اجل» [۴۱]. منظور از آخر اجل چیست؟

پاسخ (۶۴): منظور از آن فرا رسیدن قیامت است.

سؤال (۶۵): پیامبر علیه الصلاة والسلام در روایت مسلم از ابوهریره می فرماید: «از پروردگرم اجازه خواستم تا برای او - یعنی مادرشان - آمرزش بخواهم، پس به من اجازه ندادند» [۴۲]. آیا این دال بر آن است که مادرش ایشان از اهل دوزخ هستند؟

پاسخ (۶۵): بله این حدیث دال بر این است که مادر ایشان بر شرک بودند؛ به دلیل این سخن الله تعالی که می فرماید:

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: 113]

{برای پیامبر و کسانی که ایمان آوردند سزاوار نیست که برای مشرکان . پس از اینکه برایشان آشکار شد که آنان اهل دوزخند . آمرزش بخواهند؛ هر چند از نزدیکان باشند} [توبه: ۱۱۳]، و الله تعالی می فرماید:

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۗ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۗ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: 72]

{هر کس به الله شریک آورد قطعاً الله بهشت را بر او حرام ساخته، و جایگاهش آتش است} [مائده: ۷۲].

سؤال (۶۶): حکم عبور از بین قبور با نعلین چیست؟ و دلیل نهی از آن چقدر صحیح است؟ منظور این سخن ایشان صلی الله علیه وسلم است که: **«ای صاحب نعلین، نعلین خود را بیرون بیاور»** [۴۳].

پاسخ (۶۶): علما گفته اند که راه رفتن بین قبور با نعلین مکروه است و به این حدیث استدلال کرده اند، اما با این حال گفته اند: اگر نیاز به پوشیدن نعلین بود، مانند گرم بودن زمین و وجود خار و مانند آن، اشکالی ندارد که با نعلین خود راه برود.

سؤال (۶۷): مسلم از محمد بن قیس روایت کرده که عایشه رضی الله فرمود: یا رسول الله چگونه به آنان [یعنی مردگان سلام] بگویم؟ ایشان علیه الصلاة والسلام فرمودند: «السلام على أهل الديار من المؤمنين والمسلمين، ويرحم الله المستقدمين منا والمستأخرين، وإنا إن شاء الله بكم لاحقون» [۴۴]، آیا این حدیث به همراه حدیث متفق علیه از ام عطیه که فرمودند: «ما را از دنبال کردن جنازه نهی می کردند اما [در این باره] سخت نگرفتند» [۴۵] و دیگر احادیث، به وضوح دال بر جایز بودن زیارت قبور برای زنان در صورتی که عمل حرامی را انجام ندهند نیست؟ و اگر چنین نیست حدیث محمد بن قیس را چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ (۶۷): قبلا جوابی دادیم که دال بر حکم این مسئله بود و به این حدیث عایشه نیز اشاره کردیم و گفتم که سنت دال بر این است که زن اگر به قصد زیارت قبور بیرون برود این از گناهان کبیره است، اما اگر بدون قصد از کنار قبرستان گذشت و ایستاد و سلام گفت، این اشکالی ندارد و حدیث عایشه نیز بر همین حالت اعمال می شود تا آنکه [نصوص] سنت با یکدیگر هماهنگ باشد و [توهم] تناقض در آن پیش نیاید. اما حدیث ام عطیه که «ما را از دنبال کردن جنازه نهی می کردند اما [در این باره] سخت نگرفتند»، بسیاری از علما گفته اند آنچه در این حدیث معتبر است همان «از دنبال کردن جنازه نهی شدیم» است. اما اینکه می فرماید: «بر ما سخت گرفته نشد» این فهم ایشان است و شاید این قصد و مراد رسول الله علیه الصلاة والسلام بوده است؛ زیرا دنبال کردن جنازه غیر از زیارت است؛ چون در دنبال کردن جنازه به دلیل وجود مردان بعید

است که محذوری رخ دهد و اگر زنان بخواهند چنین کنند مردان مانع از آن می شوند، برخلاف زیارت قبور.

سؤال (۶۸): برای این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که مسلم از ابوسعید خدری روایت کرده است که فرمودند: «**برای مردگانتان لا اله الا الله را تلقین کنید**» [۴۶] دلیلی وجود دارد که آن را از وجوب [به استحباب] منصرف سازد؟

پاسخ (۶۸): به نظر می رسد که اینجا آنچه [امر موجود در حدیث را] از وجوب [به عدم وجوب] منصرف ساخته چیزی است که از صحابه واقع شده چون ظاهر از کردار و احوال آنان آن است که آنها هر مرده ای را تلقین نمی کردند، والله اعلم.

سؤال (۶۹): در این سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم که مسلم از ابوهریره و ام سلمه روایت کرده دلیلی است بر اینکه روح و نفس به یک معناست، منظور سخن ایشان علیه الصلاة والسلام است که می فرمایند: «**آیا ندیده اید که انسان وقتی می میرد، چشمانش خیره می ماند؟**» گفتند: آری. فرمود: «**آن هنگامی است که نگاهش، نفس او را دنبال می کند**» [۴۷] و حدیث دوم، حدیث ام سلمه است که: «**روح هرگاه گرفته شد، چشمان آن را دنبال می کند**» [۴۸]. بنابراین آیا روح همان نفس است؟ لطفا در این باره به ما توضیح دهید.

پاسخ (۶۹): بله، روح همان نفس (جان) است که گرفته می شود؛ چنانکه الله تعالی می فرماید:

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الزمر: 42]

{الله جان ها را به هنگام مرگشان قبض می کند و [نیز] جان کسی را که نمرده است، به هنگام خوابش [می گیرد]} [زمر: ۴۲]. سؤال (۷۰): منظور از «پیراهنی از جَرَب» در این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم چیست که می فرماید: «زن نوحه خوان اگر توبه نکند در روز قیامت درحالی برخاسته می شود که بر وی شلواری از قطران و پیراهنی از جَرَب است»؟ این حدیث را مسلم از ابومالک اشعری روایت کرده است [۴۹].

پاسخ (۷۰): منظور از پیراهنی از جَرَب این است که پوست او - والعیاذ بالله - دچار جرب (نوعی بیماری پوستی) می شود که آن را کاملا در بر می گیرد و این برای آن است که برای عذاب‌هایی که از آتش به او می رسد بسیار درد بکشد.

*

مسائل دیگری در احکام جنائز (۵۰)

۱- نقل میت از شهری به شهر دیگر و تکرار نماز بر او اگر هدف از آن تکرار نماز باشد این بدعتی است منکر و مخالف با روش سلف صالح و سرپیچی از امر پیامبر صلی الله علیه وسلم است که به تسریع [دفن] میت امر کردند و همینطور باز کردن دروازه مباحات و فخرفروشی مردم با امواتشان است، تا جایی که تشییع میت به جشن عروسی شبیه بشود.

به جای آن کافی است که در شهر دیگر بر میت نماز غایب خوانده شود - در صورتی که این کار را مشروع بدانیم - اما صحیح آن است که بر میت نماز غایب خوانده نمی شود مگر برای کسی که در سرزمینی از دنیا رفته که آنجا بر او نماز میت ادا نشده، یا آنکه این کار به امر امام (حاکم) باشد، دلیل امر نخست این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر نجاشی نماز غایب خواندند [۵۱]، و دلیل امر دوم آن است که برای یک مسئله اجتهادی از طاعت امام سرپیچی نشود.

اما اگر دلیل نقل میت، انتخاب او بوده که در شهری دیگر دفن شود، به این دلیل که دفن در آنجا بهتر است یا به دلیل آنکه خانواده اش در آن شهر هستند، این اشکالی ندارد، اما اگر امام (حاکم) از ترس ازدحام مردم و کم بودن جا و ناتوانی از انجام وظیفه دفن از این کار جلوگیری کند در این صورت منتقل نمی شود. همینطور اگر نقل میت هزینه های بسیاری داشته باشد که به حق وارثان در ماترک او زیان وارد کند و مانند آن.

شاید نیز نقل میت واجب باشد، مانند آنکه در سرزمینی از سرزمین ها کفار بمیرد که در آن مقبره مسلمانان نباشد و نتوان او را در آن سرزمین در

مکانی دیگر [جز قبرستان کفار] دفن کرد؛ در این صورت باید او را به سرزمین مسلمانان منتقل کرد.

اما انتقال میت از مسجدی به مسجد دیگر در یک شهر برای آنکه در چند مسجد بر او نماز گزارده شود؛ این نیز از بدعت های منکر است و همان محذور پیشین را دارد. برای [نماز بر] میت باید به نزد او رفت و نباید او در بین مردم گرداند تا بر او نماز بگذارند.

۲- صف کشیدن نزدیک میت همراه با امام هنگام نماز بر او، اگر به دلیل تنگی جا باشد که نتوانند پشت سر امام به صف بایستند - حتی اگر بین صف اول و امام باشد - اشکالی ندارد؛ زیرا اینجا نیاز هست، و می توانند [در این حالت] در سمت راست و چپ امام بایستند.

اما اگر جا زیاد باشد در این صورت همراه با امام در یک صف نمی ایستند، زیرا این خلاف سنت در نماز جماعت است، اما اگر دیدیم که نزدیکان میت بنابر این گمان که این کار سنت است به عمد جلو می آیند تا همراه با امام در یک صف باشند؛ این کارشان اشتباه است و شایسته امان است که در این باره مردم را آگاه سازند و تبیین کنند که این کار سنت نیست.

۳- ورود اتومبیل ها به قبرستان بدون آنکه نیازی به آن باشد گاه باعث مزاحمت برای مردم می شود و باعث می شود تشییع جنازه به عروسی شبیه شود طوری که مردم را از یاد آخرت غافل می سازد.

۴- درباره کاری که مردم اخیرا انجام می دهند و هنگام تسلیت گفتن دست می دهند و همدیگر را در آغوش می گیرند از سلف چیزی را سراغ

ندارم، همچنین به صف شدن برای تعزیه، اما برخی از مردم می گویند: آنها برای راحتی کسانی که تسلیت می گویند به صف می ایستند تا آنکه در جستجوی خانواده درگذشته خسته نشوند، به ویژه اگر تشییع کنندگان بسیار باشند و خانواده درگذشته هم بسیار باشند و این شاید دلیل صحیحی باشد هرچند کارشان را نمی پسندم.

۵- سخن گفتن درباره امور دنیا برای دنبال کنندگان جنازه مخالف آن چیزی است که باید بر آن باشند، یعنی اندیشه در حال و فرجام خود و اینکه اکنون دارد مردگان را تشییع می کند و فردا زندگان او را تشییع خواهند کرد در حالی که نمی داند این چه هنگام خواهد بود؟

همچنین این کار باعث ناراحتی و دلشکستگی مصیبت دیده ها و نزدیکان و دوستان میت می شود و برخی از علما برای کسانی که جنازه را دنبال می کنند سخن گفتن در امر دنیا و شوخی و خنده را مکروه دانسته اند؛ برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم در قبرستان پیش از آنکه لحد کنده شود [و قبر آماده شود] نزد اصحابشان می نشستند و برایشان سخنانی مناسب آن حال می گفتند، چنانکه در صحیح بخاری از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که فرمود: در [خاکسپاری] جنازه ای در بقیع بودیم، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم به نزد ما آمدند و نشستند و ما گرد ایشان نشستیم حال آنکه عصایی به دستشان بود، پس سرشان را پایین انداختند و با عصای خود بر زمین زدند... تا پایان حدیث [۵۲].

و در «مسند» و «سنن ابی داود» و نزد دیگران از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده که گفت: همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم برای تشییع جنازه مردی از انصار بیرون رفتیم پس به قبر رسیدیم در حالی که هنوز لحد

آن را حفر می کردند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم نشستند و ما نیز به گرد ایشان نشستیم گویی بر سرهای ما پرنده نشسته بود و در دستان ایشان تکه چوبی بود که با آن بر زمین می زد، پس فرمودند: «از عذاب قبر به الله پناه ببرید» این را دو بار یا سه بار فرمودند، سپس ایشان صلی الله علیه وسلم دربارهٔ حال مؤمن و کافر به هنگام مرگ و پس از آن سخن گفتند [۵۳]، که حدیثی است طولانی و مهم.

با این حدیث و حدیث علی می دانیم که مشروع برای کسی که جنازه را دنبال می کند این است که سخنش دربارهٔ چیزی باشد که به مرگ و مابعد آن مربوط باشد.

با این حال برخی از این دو حدیث این را برداشت کرده اند که باید در این حال مردم را وعظ کرد و پند گفت و در میان مردم برخاست و سخنرانی کرد، اما این حدیث دال بر چنین چیزی نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در میان اصحابشان به عنوان خطیب برنخاستند بلکه میان آنان نشسته بودند و مانند سخنی که هم نشین به هم نشین خود می گوید سخن گفتند؛ زیرا ایشان یا باید ساکت می نشستند یا سخنی می گفتند که ربطی به آن جایگاه نداشت و یا مناسب آن جایگاه سخن می گفتند و این همان کاری بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام دادند.

۶- ماندن خانوادهٔ میت در خانه شان برای استقبال از تسلیت گویان در دوران سلف صالح معروف نبوده، برای همین برخی از علما تصریح کرده اند که این کار بدعت است، در «إقناع» و شرح آن آمده است: نشستن برای آن - یعنی برای تعزیه - مکروه است، به این شکل که مصیبت دیده در مکانی بنشینند تا او را تسلیت گویند [۵۴].

و پس از ذکر حکم پختن غذا برای خانواده میت می گوید: این کار را به نیت خانواده میت انجام دهد نه برای کسانی که نزدشان جمع شده اند، زیرا این مکروه است؛ زیرا یاری رسانی در یک کار مکروه است یعنی جمع شدن مردم نزد خانواده میت، مروزی از احمد نقل کرده است که: این از کارهای جاهلیت است و آن را به شدت مورد انکار قرار داد.

سپس حدیث جریر بن عبدالله رضی الله عنه را ذکر کرده که می فرماید: «ما جمع شدن نزد خانواده میت و پختن غذا پس از دفن او را از نوحه خوانی به شمار می آوریم» [۵۵].

نووی در «شرح المذهب» می گوید: اما نشستن برای تعزیه، شافعی و مصنف [این کتاب] و دیگر اصحاب [مذهب شافعی] بر کراهت آن هستند، و ابوحامد [غزالی] در «التعلیق» و دیگران این نص شافعی را نقل کرده اند و گفته اند: منظور از نشستن برای آن: یعنی اهل میت در خانه ای جمع شوند و کسانی که قصد تعزیه دارند به نزد آنان بروند. گفته اند: بلکه باید برای کارهای خود پراکنده شوند و کسی که با آنان روبرو شد به آنان تسلیت بگوید. [۵۶]

از سوی دیگر باز گذاشتن درها از سوی اهل میت برای آنکه کسانی به تعزیت آنان بیایند مانند آن است که با زبان حال به مردم می گویند: ایها الناس! ما دچار مصیبت شده ایم، بیایید به ما تسلیت بگویید. و اینکه در روزنامه ها محل پذیرایی از تسلیت گویان را اعلام می کنند دعوت به زبان نیز به شمار می آید، و آیا این از سنت است که مصیبت را اعلام کنند تا بیایند و تسلیت بگویند؟! آیا برای بنده واجب نیست که در برابر حکم الله و قضای او صبر پیشه سازد و این را میان خودش و پروردگارش قرار دهد و با الله از

هر ذات فانی دیگری تسلیت جوید؟! همین مسئله در برخی از مناطق وارد مراحل جدیدی می شود تا جایی که برای عزا خیمه ها برپا می کنند و صندلی ها می گذارند و چراغانی می کنند و مردمان بسیاری به آنجا می آیند و می روند، آنطور که دیگر تفاوتی میان آن و مجلس عروسی نمی بینی و چه بسا برای آن قاریانی را اجاره می کنند تا به گمانشان برای روح میت قرآن بخواند، با اینکه اجاره در این کار فاسد است و آن قاری که برای پول می خواند ثوابی ندارد، در نتیجه این کارشان هدر دادن مال و تحریک بیشتر چنین قاریانی برای گناه است.

حال اگر کسی بگوید: آیا ثابت نیست که وقتی خبر شهادت جعفر و دو یارش به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید، ایشان در مسجد نشستند در حالی که آثار غم بر ظاهرشان نمایان بود [۵۷]؟

پاسخ: بله، اما پیامبر صلی الله علیه وسلم ننشسته بودند تا مردم برای تسلیت او بیایند، برای همین به ما نرسیده که کسی نزد ایشان برای تعزیه ننشسته باشد، بنابراین در این حدیث دلیلی برای باز گذاشتن در خانه ها و نشستن برای پذیرش تسلیت نیست.

اما اعلام مرگ شخص در روزنامه ها، اگر برای مصلحتی باشد مانند آنکه میت تعامل بسیاری با مردم داشته و بسیار با آنان داد و ستد داشته اند و مرگ او برای این اعلام شده تا اگر کسی حقی بر گردن او دارد بیاید و حقش به او داده شود و مانند آن، این اشکالی ندارد.

به قلم محمد بن صالح العثیمین

در تاریخ ۱۴۱۸/۱/۲۴ هجری قمری

فهرست

- 1..... هفتاد پرسش دربارهٔ احکام جنایز
- 3..... احکام جنایز
- 43..... مسائل دیگری در احکام جنائز (۵۰)